عوامل بازدارنده مشارکت دامداران در احیای مراتع آق‌قلا در استان گلستان

سید احمد خاتون‌آبادی[۱]، امیرمظفر امینی[۱] و عبدالطاهر میرزاعلی[۲]

چکیده

تجربه نشان داده است که در حفظ و احیای مراتع، هر نوع برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری متمرکز و بدون حضور و مشارکت مردم ناموفق بوده است. از این رو، پژوهشی با هدف تعیین عوامل بازدارنده مشارکت دامداران در طرح‌های احیای مراتع، در منطقهٔ آق‌قلا از شهرستان گرگان به اجرا در آمد. روش انجام تحقیق مشاهده مستقیم بود، که در آن از شیوهٔ پیمایشی استفاده گردید. هم چنین، برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسش نامه همراه با مصاحبه استفاده شد. جامعه آماری شامل دو گروه، یکی کارشناسان تهیه کننده طرح‌های مرتع‌داری و دیگری دامداران منطقه بود.

نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که براساس نظریات کارشناسان، به ترتیب عوامل آموزشی، اقتصادی، برنامه‌ریزی و اجتماعی بیشترین تأثیر را در عدم مشارکت دامداران منطقه دارند. ولی بر پایهٔ نظریات دامداران، به ترتیب عوامل برنامه ریزی، اقتصادی، آموزشی واجتماعی بیشترین اثر را در عدم مشارکتشان داشته است.

واژه‌های کلیدی: *نظرسنجی، مشارکت، توسعه، مرتع، دامدار*

مقدمه

تاریخ مدیریت منابع طبیعی به روشنی حکایت از این دارد که مدیریت منابع طبیعی، کاری نیست که از عهده نظام اداری و جنگلبانان دولتی برآید. مردمی که همواره در دل جنگل، جوار مرتع و سایر منابع طبیعی زندگی کرده، با آن سازگار شده و از این امکانات ارتزاق کرده‌اند هم کسانی نیستند که نسبت به این منابع چندان بی‌توجه باشند. اما سؤال اصلی این است که چرا روز به روز عرصه منابع طبیعی محدودتر و گستره بیابان‌ها وسیع‌تر می‌شود؟ چرا این همه مراقبت و دقت نظرهای کارشناسی روال تخریب راکاهش نداده است؟ این نکات نه تنها در ایران، بلکه در سایر کشورهای جهان نیز کم و بیش مطرح است. کنترل عوامل تخریب و تشویق عوامل سازنده فقط در دیدگاه‌های فنی و طرح‌های کارشناسی نهفته نیست، بلکه به

۱. استادیار توسعه و ترویج کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان
۲. دانشجوی سابق کارشناسی ارشد بیابان‌زدایی، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه صنعتی اصفهان

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1380.5.1.5.0]

طور عمده در رفتار اجتماعی مردم بهره بردار است، که در قالب مشارکت به خوبی خود را نشان می‌دهد، و می‌تواند نقش حیاتی در احیای منابع طبیعی ایفا نماید. بنابراین، استفاده از مشارکت مردمی به عنوان یک نیاز و ضرورت مطرح است.

در مورد مشارکت تعاریف مختلفی وجود دارد، و با این که در اکثر برنامه‌های توسعه از آن یاد می‌شود، متأسفانه مفهوم آن برای بسیاری از افرادی که آن را به کار می‌برند روشن نیست، و یا برداشت‌های مختلف و متضادی از آن شده است. علاوه بر این، هر یک از متخصصان رشته‌های مختلف، با توجه به زمینه‌های تخصصی خود، سعی بر این داشته‌اند که به آن مفهوم خاص خویش را ببخشند.

مشارکت از نظر لغوی بر وزن مفاعله، و به معنای شرکت کردن دوطرفه افراد مختلف برای انجام دادن کاری می‌باشد. در واقع مشارکت امر دوجانبه‌ای است که فرد بر اساس میل و اراده خود پذیرای آن می‌گردد (۵).

برنامه ریزان اقتصادی با مشارکت برخورد صرفاً اقتصادی می‌کنند؛ مهندسان و کارشناسان فنی با دید اقتصادی - فیزیکی به آن می‌نگرند؛ و دست اندرکاران مسائل اجتماعی آن را نوعی هم بستگی و تلاش گروهی تلقی می‌نمایند (۳).

یک مفهوم عمومی از مشارکت به بسیج مردم، برای به عهده گرفتن طرح‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی اشاره دارد. نوعاً، در طرح‌هایی که از بالا اندیشیده و طراحی می‌گردند و مردم برای اجرای آنها بسیج می‌شوند، مشارکت عبارت از کمکی است که مردم به شکل‌گیری نیروی کار یا مواد می‌نمایند (۷).

برخی مشارکت را به عنوان پدیده یا فرایند اختیار دادن به جدا افتادگان و محرومان می‌شناسند (۸). پس مشارکت بر تحکیم قدرت توده‌های محروم دلالت می‌کند. از این دید، سه عنصر اصلی مشارکت عبارتند از: تسهیم قدرت و منابع کمیاب، کوشش‌های آگاهانه و عمومی گروه‌های اجتماعی برای کنترل سرنوشت خویش و بهبود زندگی، و بالاخره بازگشودن فرصت‌هایی برای سطوح پایین.

درتعبیر دیگری، مشارکت به مفهوم تمرکززدایی در دستگاه‌های دولتی یا سازمان‌ها عنوان شده است (۹). دراین شرایط، منابع و قدرت تصمیم‌گیری به سطوح پایین، مانند مقام‌های رسمی محلی، اشخاص یا هیئت‌های منتخب در سطح روستا یا دهقانان منتقل می‌شود.

بررسی تعاریف فوق نشان‌دهندهٔ وجود یک سری حلقه‌های گمشده در آنها است. این تعاریف هر یک جزئیاتی از مسئله را می‌رسانند و در بیان یک کلیت عاجزند. با جمع‌بندی تعاریف ارائه شده می‌توان منشأ مشارکت حقیقی را نوعی خودآگاهی برای رسیدن به خود اتکایی فردی واجتماعی توصیف کرد. در نتیجهٔ آن، ابتدا فرد خودآگاه می‌شود و به نقاط قوت و ضعف خود و دیگران پی می‌برد، نظامی براساس تبادل بهره با دیگران ترسیم می‌کند، و در عمل اجرا می‌کند. در این موقعیت، فرد لزوم برقراری ارتباط صحیح و کار با دیگران را احساس کرده، در جهت عملی نمودن آن تلاش می‌نماید. پس مشارکت را می‌توان هم هدف و هم وسیله دانست. زیرا روندی است که منجر به مشارکت حقیقی در افراد می‌شود. ایجاد تفکر مشارکتی در افراد، نوعی هدف متعالی و اساسی است، که علاوه بر ایجاد، برای تثبیت نیاز به تکامل دارد. در واقع نوع هدف، وسیله‌ای است برای رسیدن به مراتب بالاتر و رفع نیازهایی که به تنهایی از عهده افراد برنمی آید.

اما در زمینهٔ مشارکت مردمی، به ویژه مشارکت روستاییان، مطالعات زیادی در ایران و جهان انجام گرفته است.

انصاری (۱) با مطالعه علل عدم مشارکت عشایر استان لرستان در طرح‌های احیای منابع طبیعی، معتقد است شرکت نکردن عشایر دلایل تاریخی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فنی دارد.

به نظر عبداله‌پور (۴)، نبودن صاحب مشخص در مراتع علت همه خرابی‌ها، و عامل اصلی عدم سرمایه گذاری بخش خصوصی در حفظ و احیای مراتع است. مشاعی بودن بهره برداری، مشخص نبودن صاحب و مدیر برای عرصه‌های مراتع، نه تنها عامل اصلی عدم سرمایه گذاری است، بلکه موجب سبقت در تخریب، یعنی چرای زودرس، چرای مفرط و نابودی

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1380.5.1.5.0]

سرمایه اصلی نیز می‌باشد.

خاتون آبادی (۲) در مقاله خود ابعاد گوناگون مشارکت را در پژوهش‌های مختلف بررسی نموده و عوامل پیش برنده و بازدارنده آن را اولویت داده است. موارد زیر نتایج برخی از پژوهش‌های مذکور در این مقاله را منعکس می‌نماید.

- رابرت چمبرز در کتاب توسعه روستایی که در سال ۱۹۸۹ انتشار یافت، هدف نهایی از مشارکت دادن روستاییان آسیب‌پذیر را در برنامه‌های توسعه، آگاهی یافتن از اطلاعات و تجربه‌های پربار مردم محلی و کسب دانش بومی می‌داند.

- در تحقیقی دیگر، که موانع مشارکت مردمی در منابع طبیعی را مورد بررسی قرار داده است، به موارد زیر اشاره می‌کند:

الف) مراتع عملی شامل برنامه ریزی متمرکز، فقدان هماهنگی محلی، نامناسب بودن فناوری‌های مورد نیاز، بی‌ربط بودن پروژه‌ها با نیازهای روستاییان.

ب) موانع فرهنگی و موانع ساختاری و پراکندگی بهره برداران منابع طبیعی....

- سعدی (۱۳۷۷) در بررسی خود عواملی را که موجب عدم موفقیت طرح‌های مشارکتی می‌شود به بی‌توجهی و حمایت نکردن کارشناسان و برنامه‌ریزان و عدم ارتباط دوسویه آنان با مردم محلی و مرتع‌داران مربوط دانسته است. از جمله این عوامل عبارتند از:

۱. عدم توانایی در برقرار ارتباط سازنده با مردم.

۲. بی اعتقادی برخی از کارشناسان و برنامه ریزان به اهمیت مشارکت مردمی در حفظ و احیای منابع طبیعی.

۳. بسته بودن سیستم تشکیلاتی اجرایی برای مشارکت مردم.

۴. فقدان ارتباط بین مراکز تحقیقاتی مربوط به منابع طبیعی و کارشناسان و بخش‌های اجرایی.

۵. سیاست‌ها و قوانین حاکم بر جامعه.

۶. فقدان اعتقاد مشارکت در روستاییان، بهره برداران و شهروندان، در مورد منابع طبیعی.

۷. فقدان مؤسسات مشارکتی.....

در تحقیق فوق از بین عوامل مؤثر در تسریع و تشویق مشارکت‌های مردمی، به مواردی چند از جمله اصول زیر اشاره می‌کند:

۱. کمک به ایجاد تشکل‌های خودجوش و مردمی در امر منابع طبیعی.

۲. گسترش مراکز فرهنگی و سوادآموزی در میان بهره برداران.

۳. آموزش فرهنگ مشارکت به برنامه ریزان طرح‌های مشارکتی.

۴. برقراری ارتباط مناسب بین تحقیق، ترویج و آموزش.

- الغنمی[1] در زمان تصدی اداره سازمان‌ها و مؤسسات توسعه و بخش منابع انسانی در سازمان خوار و بار جهانی (فائو)، در مقاله‌ای تحت عنوان «بحران فقر روستایی: آیا مشارکت می‌تواند آن را از میان بردارد؟» بر «مشارکت مردم طبقات پایین در قدرت سیاسی - اجتماعی، با شرکت در تصمیم‌گیری‌ها، از طریق سازمان‌ها، و به انتخاب خود، و نیز داشتن انگیزه برای کمک به افزایش تولید از طریق سازمان‌های نهادی» تأکید می‌ورزد.

او هم چنین به این نتیجه‌گیری می‌رسد که:

«رهیافت‌های مورد استفاده برای مشارکت تهیدستان، باید با شرایط محلی منطبق باشد، و براساس تجربه تاریخی سازمان‌ها در هر جامعه تنظیم شود. این رهیافت‌های تجربی باید جزء جدایی‌ناپذیر استراتژی توسعه در هر کشور باشد. در صورتی که تعهد و تمایل ملی برای ریشه کن کردن فقر توده‌ای وجود داشته باشد، دانشمندان اجتماعی و برنامه ریزان توسعه در همان کشور از بهترین موقعیت برای انجام این وظیفه خطیر برخوردارند، و به جای آنها نمی‌توان از متخصصان خارجی استفاده کرد».

- بروگر[2] طی مقاله‌ای با عنوان «شرایط ضروری توسعه از پایین در ساختارهای منطقه‌ای و سیاسی»، به اهمیت مشارکت مردمی در تصمیم‌گیری و اجرای طرح‌ها اشاره کرده، و اهمیت تعاونی‌ها و گروه‌های کشاورزی و گروه‌های خودباز[3] را در تحقق هدف‌های توسعه درون‌زا مورد تأکید قرار می‌دهد.

1. El Ghonemy 2. Brugger 3. Self-help Groups

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1380.5.1.5.0]

- نوروزی (۱۳۷۷) در سلسله مقالات «توسعه پایدار، جامعه روستایی و آبخیزداری»، محوریت فعالیت‌های توسعه پایدار را مردم روستا معرفی می‌کند.
- دکتر شامخی ابعاد انسانی مسئله را در سیمای جوانان می‌بیند، و در این زمینه در مقاله‌ای به نام «خدمات متقابل منابع طبیعی و جوانان»، به اهمیت گروه‌ها و سازمان‌های غیردولتی می‌پردازد.
- اشرفی (۱۳۷۷) در مقاله «دانش بومی و برنامه ریزی توسعه»، بر اهمیت ارتباط عمیق با جامعه روستایی، برای سهیم شدن در دانش بومی و تجربه آنان، تأکید می‌ورزد.
- صفابخش (۱۳۷۷) نیز به نقش شوراها در تحقق مشارکت مردم در حفظ، احیا و بهره برداری از منابع طبیعی اشاره می‌کند.
- سرانجام دکتر انصاری (۱۳۷۸) در مقاله «تعاونی‌ها در بخش منابع طبیعی و پارادوکس کارگاهی و مالکیت»، ضمن بررسی پیشینه تشکیل تعاونی‌های رسمی در ایران، با توجه به تحول در ایلات و زندگی عشایری، بر ضرورت ایجاد تشکل جدید درامر مرتع داری تأکید می‌کند.

خاتون آبادی (۲) در مجموع چنین نتیجه‌گیری می‌کند که، مشارکت به مفهوم متشکل ساختن گروه‌های مردم برای انجام رسالت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و اکولوژیک است، که از طریق ارتباط دوطرفه باکارشناسان و سیاست‌گذاران تحقق می‌یابد. در این فرایند، دانش بومی مردم با دیدگاه‌های فنی و کارشناسی پیوند خورده، مردم در گروه‌های اجتماعی به طور داوطلبانه، و با برقرارکردن ارتباط دوسویه، به منظور دست‌یابی به هدف‌های مشخص از جنبه روانی، عاطفی و فیزیکی به همکاری و هم یاری مبادرت می‌ورزند (۲).

در نظر گرفتن عدالت اجتماعی و توزیع متعادل درآمد ملی نیز به عنوان عامل تعیین کننده‌ای در ایجاد انگیزه مشارکت مردم در طرح‌های توسعه‌ای به حساب می‌آید. در این زمینه، نوروزی (۱۳۷۷) در فصلنامه جنگل و مرتع، با استفاده از ضریب جینی[1] یا شاخص نابرابری توزیع درآمد در جامعه روستایی ایران در دهه ۱۳۶۰ (بین سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۰) پرداخته، و نشان می‌دهد که در دوره ذکر شده ۱۰ درصد از فقیرترین افراد جامعه روستایی همواره کمتر از دو درصد درآمد جامعه را توانسته‌اند به خود اختصاص دهند. در حالی که ۱۰ درصد از غنی‌ترین افراد همان جامعه، همواره بیش از ۳۰ درصد درآمد را داشته‌اند.

با این زمینه، برای شناسایی و ارزیابی عوامل بازدارنده مشارکت دامداران مراتع آق‌قلا در استان گلستان، پژوهشی انجام گرفت که در آن عوامل بازدارنده در چهار گروه آموزشی، اجتماعی، اقتصادی و برنامه‌ریزی طبقه بندی شد و برای هر یک مجموعه‌ای از چند عبارت به صورت پرسش نامه تنظیم گردید.

مواد و روش‌ها

منطقه مورد مطالعه در شمال گرگان و در دشت آق‌قلا قرار گرفته است. طول جغرافیایی آن ۵۴ درجه و ۱۲ دقیقه تا ۵۴ درجه و ۳۸ دقیقه شرقی، و عرض جغرافیایی آن ۳۷ درجه و ۸ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۲۷ دقیقه شمالی می‌باشد. این منطقه از غرب به جاده شوسه پاسگاه سنگرتپه، از شمال به مرز ایران و ترکمنستان، حد فاصل بین پاسگاه سنگرتپه تا گمرک پل، از شرق به ارتفاعات قره‌قیر و از جنوب به راه ارتباطی آق‌قلا و گمیشان محدود می‌گردد (شکل ۱).

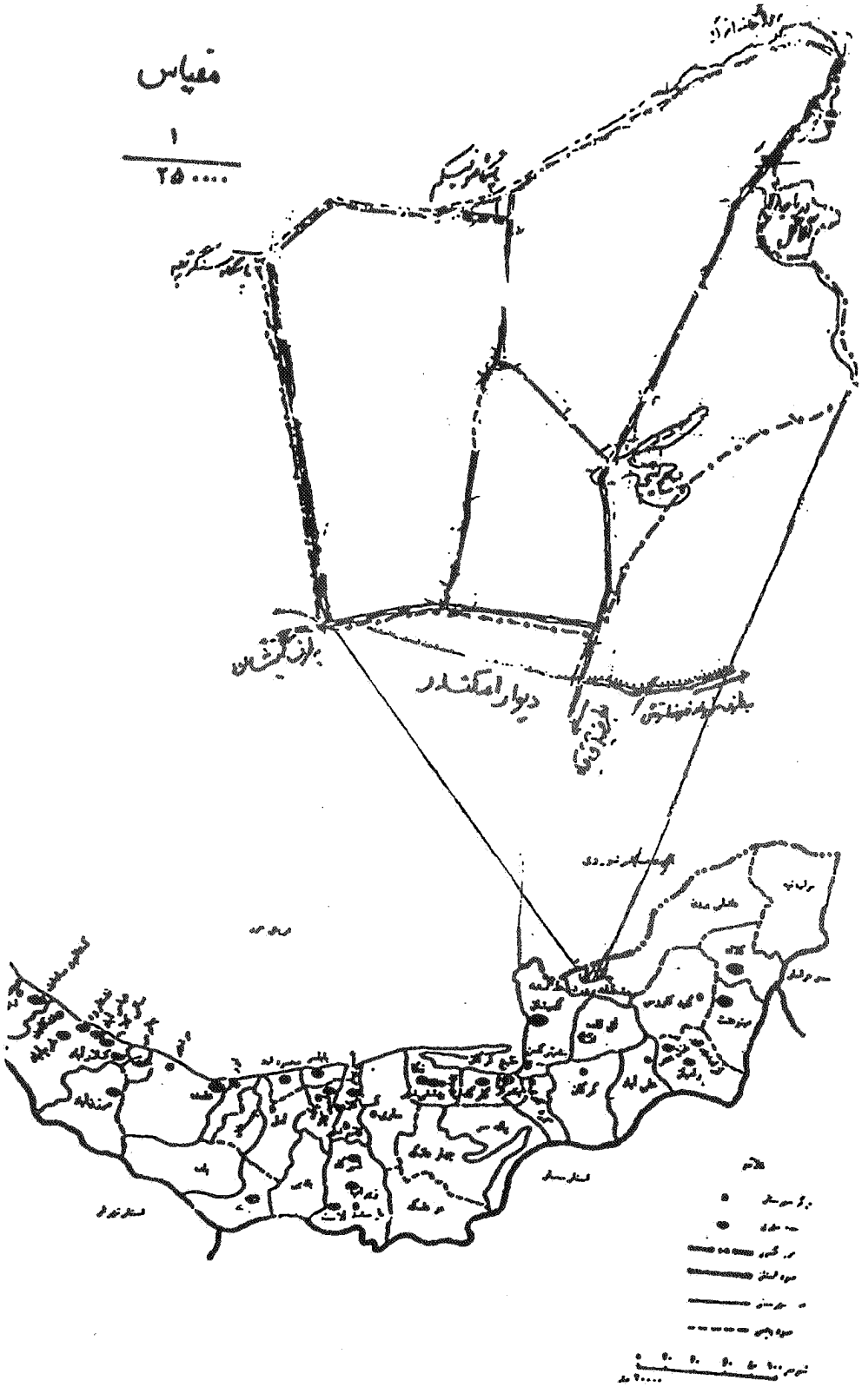
مساحت کلی منطقه در حدود ۷۰۰۰۰ هکتار و شامل شش مرتع به نام‌های اینچه شوره‌زار، قره‌قر بزرگ، منگالی، تنگلی، صوفیکم و قورداینمزباریم می‌باشد.

دامداران این مراتع بومی منطقه و ساکن ترکمن صحرا می‌باشند، که شیوه نیمه کوچ‌رو مبتنی بر قشلاق را برگزیده‌اند. از اواخر آبان‌ماه تا اواخر فروردین ماه سال بعد از مراتع استفاده می‌کنند و در طول تابستان تا مهرماه دام‌های خود را با پس‌چر مزارع و علوفه دستی، شامل کاه و کنجاله و جو تغذیه می‌نمایند. پخت و پز را در داخل آلاچیق انجام می‌دهند. برای

1. Gini Coeficient

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1380.5.1.5.0]



شکل ۱. نقشه منطقه آق قلا در ترکمن صحرا

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1380.5.1.5.0]

جدول ۱. خصوصیات مراتع منطقهٔ آق‌قلا در ترکمن صحرا

نام مرتع	مساحت (هکتار)	تعداد دامدار	تعداد دام موجود	تعداد دام مجاز	وضعیت مرتع
قره‌قر بزرگ	۸۲۷۲	۵۹	۲۹۴۴۹	۶۸۷۰	فقیردارای‌گرایش‌منفی
تنگلی	۱۱۰۰۰	۴۲	۱۸۰۶۷	۳۰۰۰	"
اینچه شوره‌زار	۱۴۹۷۰	۳۷	۲۵۴۰۲	۷۴۶۶	"
صوفیکم	۱۱۰۰۰	۱۲	۸۱۱۲	۳۸۲۹	"
منگالی	۵۹۰۰	۱۱	۴۸۷۰	۳۵۴۰	"
قورداینمزباریم	۸۰۰۰	۱۱	۴۷۳۷	۲۹۲۵	"

سوخت از هیزم، درختچهٔ گز و هیزم جنگلی خریداری شده استفاده می‌کنند. وضع آب مصرفی نامناسب بوده و چون چشمه‌ای در منطقه وجود ندارد آب آشامیدنی خود را با تانکر از آق‌قلا می‌آورند.

نژاد دام زل مازندرانی، ترکمنی و افشاری است. اکثر دامداران چوپان استخدام می‌کنند، و نوع بهره‌برداری آنها از مرتع به صورت مشاع یا پروار چرانی می‌باشد. با این که دامداران معتقدند امروزه نسبت به گذشته تعداد دام کاهش یافته، ولی عملاً تعداد قابل توجهی واحد دامی مازاد بر ظرفیت مرتع در منطقه وجود دارد، و این استفاده بیش از حد باعث تخریب مرتع شده است. جدول ۱ خصوصیات مراتع منطقه مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

جامعه آماری

جامعه آماری در این تحقیق شامل دو گروه زیر می‌باشد:

الف) کارشناسان تهیه کننده طرح مرتع‌داری و ناظرین: در این تحقیق از کلیهٔ کارشناسان تهیه کننده طرح‌های مرتع‌داری و ناظرین در سطح شهرستان گرگان استفاده گردیده است، که تعداد آنها ۱۵ نفر بود. به سبب اهمیت موضوع و دقت کافی در تحقیق، اقدام به همه پرسی یا تمام پرسی در کل جامعه آماری گردید.

ب) دامداران منطقه (مجریان طرح‌ها): کل دامداران منطقه ۱۷۲ نفر بودند که از بین آنها ۶۰ نفر به صورت نمونه انتخاب شدند.

روش نمونه‌گیری

منطقه مورد مطالعه شامل شش مرتع ممیزی شده است که بهره‌برداران هر مرتع به تفکیک مشخص می‌باشند. ار هر مرتع متناسب با تعداد دامدار و تعداد دام آنها نمونه‌هایی انتخاب شد.

تعداد نمونه در هر طبقه جامعه طبق فرمول زیر به دست آمد:

$$n_k = p_k \times n \qquad p_k = N_k/N$$

n_k : تعداد افراد نمونه در هر طبقه

p_k : نسبت افراد در طبقه جامعه

n : تعداد نمونه

N_k : تعداد افراد در هر طبقه جامعه

N : تعداد کل افراد

براساس این فرمول تعداد نمونه‌های طبقات مختلف به قرار زیر مشخص گردید:

تعداد نمونه در دامدارانی که کمتر از ۲۰۰ رأس گوسفند داشتند

$$= ۶۰ \times \frac{۳۱}{۱۷۲} = ۱۱$$

تعداد نمونه در دامدارانی که ۲۰۰-۸۰۰ رأس گوسفند داشتند

$$= ۶۰ \times \frac{۱۱۰}{۱۷۲} = ۳۸$$

تعداد نمونه در دامدارانی که بیش از ۸۰۰ رأس گوسفند داشتند

$$= ۶۰ \times \frac{۳۱}{۱۷۲} = ۱۱$$

بعد از مشخص شدن جمعیت آماری، براساس آدرس مرتع ممیزی شده و کسب اطلاعات دقیق، افراد منتخب شناسایی، و سپس مرحلهٔ تکمیل پرسش‌نامه به اجرا در آمد.

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1380.5.1.5.0]

وسیله تحقیق

وسیله این تحقیق استفاده از مشاهده، مصاحبه و پرسش‌نامه بود. برای تهیه و تنظیم پرسش نامه نیز از منابع زیر بهره گرفته شد:

الف) منابع فارسی و انگلیسی در زمینه مشارکت‌های مردمی

ب) مذاکره و مباحثه با استادان و کارشناسان ذیربط

ج) مذاکره و مباحثه با دامداران منطقه

ابتدا متناسب با هر یک از متغیرها و موضوعات یا معیارهای مورد تحقیق سؤالات مناسبی طرح گردید. در طراحی پرسش‌نامه از سؤالات جهشی و نگرشی استفاده شد. سپس از نمونه‌ها درخواست شد که جواب خود را به دو عبارت روی پیوست نگرشی، به صورت شش طیف هیچ، خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد اعلام نمایند. برای نمره گذاری این شش موضوع از ارقام ساده (۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶) استفاده گردید.

در این تحقیق چون نظریات دو نوع جامعه (کارشناسان و دامداران) مورد ارزیابی قرار می‌گرفت، دو نوع پرسش نامه با سؤالات تقریباً مشابه (۱۴ مورد مشابه) طراحی و تدوین گردید: یکی پرسش نامه کارشناسان و مروجان که مشتمل بر ۱۸ سؤال بود، و دیگری پرسش نامه دامداران که ۱۷ سؤال داشت. هم چنین، برای کنترل روایی درونی و بیرونی پرسش نامه، ضمن تطبیق مرحله‌ای عنوان-اهداف، فرضیه‌ها و شاخص‌های بررسی فرض‌ها، با تک تک سؤالات، پرسش‌های مشابه در آزمون مقدماتی با تعدادی از دامداران و کارشناسان مورد واکاوی و شفاف سازی قرار گرفت، و پاسخ‌های هر فرد از حیث پایایی، با محک پاسخ‌های دیگران سنجیده شد.

نحوهٔ تکمیل پرسش نامه کارشناسان: ابتدا به تعداد کلیه کارشناسان و مسئولان شهرستان گرگان، که به نحوی با مسئلهٔ منابع طبیعی و احیای مراتع رابطه داشتند (جمعاً ۱۵ نفر)، پرسش نامه تهیه، و در اختیار آنان قرار گرفت. از ایشان خواسته شد نظریات واقعی خود را بدون در نظر گرفتن مسائل اداری مبتلا به، و به دور از هر گونه تعصب کاری، و در واقع نظریات واقعی و کارشناسی خود را که به آن رسیده‌اند، درج نمایند.

پرسش نامه‌ها پس از تکمیل جمع‌آوری و بازنگری شده، پرسش نامه‌های ناقص برای تکمیل مجدداً عودت داده شد و پس از رفع نقص، مورد بازنگری مجدد قرار گرفت.

نحوهٔ تکمیل پرسش نامه دامداران: با توجه به این که درصد زیادی از دامداران پاسخ گو را بی‌سوادان تشکیل می‌دادند، و نیز نظر به پیچیدگی بعضی از معیارهای تحقیق که احتیاج به توضیح و تعریف داشت، حضور محقق در کلیه مراحل مصاحبه و تکمیل پرسش نامه رعایت گردید.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

پس از تکمیل پرسش نامه‌ها، به منظور استخراج داده‌ها، ابتدا تمام پرسش نامه‌ها کدگذاری گردید. سپس اطلاعات جمع آوری شده در جدول‌هایی تنظیم، و در سطوح هیچ، خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد وارد شد. کیفیت‌های ترتیبی پرسش نامه‌ها، به طور نسبی با دادن امتیازهای یک تا شش به کمیت قابل اندازه‌گیری تبدیل، و بدین طریق، به صورت درصد و میانگین در جداول و نمودارها تنظیم گردید. برای مقایسه میانگین امتیازهای نظریات دامداران و کارشناسان، از آزمون t استفاده به عمل آمد. مقدار t از فرمول زیر به دست آمد:

$$t = \frac{(x_1 - x_2) - (\mu_1 - \mu_2)}{\sqrt{\frac{1}{n_1} + \frac{1}{n_2}} \sqrt{\frac{(n_1 - 1)S_1^2 + (n_2 - 1)S_2^2}{n_1 - n_2 - 2}}}$$

$$d_f = n_1 + n_2 - 2$$

$$n = \Sigma F_i$$

$$S = \frac{\sum F_i X_i^2 - nX^2}{n - 1}$$

$$X = \frac{\sum X_i F_i}{F_i}$$

آزمون استقلال (کای اسکوئر) برای یافتن ارتباط بین طبقات تعداد دام، سن، سابقه و پاسخ‌های ارائه شده توسط دامداران

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1380.5.1.5.0]

انجام شد، و در بعضی از آزمون‌ها، برای مشاهدات قابل انتظار از فرمول زیر استفاده به عمل آمد:

$$X^2(\text{corrected}) = \sum_i = \frac{(|o_i - e_i| - 0/5)^2}{e_i}$$

o_i = فراوانی‌های مشاهده شده

e_i = مشاهده قابل انتظار

نتایج و بحث

برای ارزیابی نظریات کارشناسان و دامداران منطقه و پیدا کردن مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل بازدارنده مشارکت دامداران در احیای مراتع آق‌قلا، معیارهای مورد مطالعه به شرح زیر رتبه‌بندی شد.

رده‌بندی معیارهای متغیر آموزش و آگاهی

بررسی انجام شده در مورد نظریات دامداران نشان می‌دهد که برای متغیر آموزش و آگاهی، معیار استفاده نکردن از گروه مروج و سازمان دهنده محلی دارای بیشترین امتیاز است، و بیشترین تأثیر را در عدم مشارکت آنها داشته است. معیارهای آگاه نبودن دامداران از اهداف و خصوصیات اجرایی طرح‌ها، و نگذاشتن کلاس‌های آموزشی برای دامداران، به ترتیب در رده‌های دوم و سوم قرار می‌گیرند (جدول ۲).

طبق نظریات کارشناسان، بین معیارهای مربوط به متغیر آموزش و آگاهی، آگاه نبودن دامداران از اهداف و خصوصیات اجرایی طرح‌ها دارای بیشترین امتیاز و تأثیر در عدم مشارکت دامداران می‌باشد. پایین بودن سطح سواد، و تشکیل ندادن کلاس‌های آموزشی برای دامداران در رده‌های بعدی قرار می‌گیرند (جدول ۳).

رده‌بندی معیارهای متغیر اجتماعی و فرهنگی

براساس نظریات دامداران، بین معیارهای متغیر اجتماعی و فرهنگی، معیار بی‌اعتمادی دامداران به مأمورین منابع طبیعی بیشترین امتیاز را دارد. معیارهای نحوهٔ برخورد مأمورین منابع طبیعی با دامداران، و کاهش روحیه تعاون و همکاری، به ترتیب در رده‌های دوم و سوم قرار می‌گیرند (جدول ۴).

بر پایهٔ نظر کارشناسان، در بین معیارهای متغیر اجتماعی و فرهنگی، عدم سازمان دهی درست و منطقی دامداران ترکمن بیشترین امتیاز را دارا است. صفات عدم اعتماد دامداران به مأمورین منابع طبیعی، نحوهٔ برخورد مأمورین، و کاهش روحیه تعاون و همکاری در بین دامداران، به ترتیب در رده‌های دوم و سوم و چهارم قرار دارند (جدول ۵).

رده‌بندی معیارهای متغیر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری

طبق نظر دامداران، در بین معیارهای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری، توجه نکردن به نیازهای اساسی و خواست و نظر دامداران بیشترین امتیاز تأثیر را در عدم مشارکت آنها داشته است. مصادف بودن فصل کارهای اجرایی با زمان بهره‌برداری دامداران، عدم اجرای پیوسته و منظم طرح‌ها، شرکت ندادن دامداران در تصمیم‌گیری، برخورد نکردن قانونی با متخلفین، و تحمیل مدیریت‌های دولتی، به ترتیب در رده‌های دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم اهمیت قرار می‌گیرند (جدول ۶).

مطابق نظر کارشناسان، عدم اجرای منظم و پیوسته طرح‌ها، بیشترین امتیاز را در بین معیارهای برنامه ریزی و سیاست گذاری دارد. معیار عدم توجه به نیازهای اساسی دامداران، برخورد نکردن قانونی با متخلفین، توجه نکردن به فرهنگ جامعه ترکمن در برنامه ریزی، تحمیل مدیریت‌های دولتی، تمرکز قدرت تصمیم‌گیری در مرکز و مصادف بودن فصل کارهای اجرایی با زمان بهره برداری، به ترتیب در اولویت‌های دوم، سوم، چهارم، پنجم، ششم و هفتم قرار دارند (جدول ۷).

رده‌بندی معیارهای اقتصادی

در بررسی نتایج حاصل از نظریات دامداران، از بین معیارهای اقتصادی، معیار مشخص نبودن مالکیت مرتع بیشترین امتیاز و تأثیر را در عدم مشارکت آنها دارد. دیر بازده بودن طرح‌ها، ندادن

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1380.5.1.5.0]

جدول ۲. رده‌بندی معیارهای متغیر آموزش و آگاهی، از نظر دامداران، برحسب میزان تأثیر در عدم مشارکت آنها

ردیف	معیار	امتیاز	میانگین	ملاحظات
۱	استفاده نکردن از گروه مروج و سازمان‌دهنده	۲۶۶	۴/۴۳	
۲	آگاه نبودن از اهداف و خصوصیات اجرایی طرح‌ها	۲۱۰	۴/۰۴	(تعداد پاسخ‌گویان ۵۲ نفر)
۳	نگذاشتن کلاس‌های آموزشی اصلاح و احیای مراتع برای دامداران	۲۲۸	۳/۸	

جدول ۳. رده‌بندی معیارهای مربوط به متغیر آموزش و آگاهی، از نظر کارشناسان، برحسب میزان تأثیر در عدم مشارکت دامداران

ردیف	معیار	امتیاز	میانگین
۱	آگاه نبودن از اهداف و خصوصیات اجرایی طرح‌ها	۷۱	۴/۷۲
۲	پایین بودن سطح سواد دامداران	۶۷	۴/۴۷
۳	تشکیل ندادن کلاس‌های آموزشی اصلاح و احیای مراتع	۶۷	۴/۴۷

جدول ۴. رده‌بندی معیارهای مربوط به متغیر اجتماعی و فرهنگی، از نظر دامداران، برحسب میزان تأثیر در عدم مشارکت آنها

ردیف	معیار	امتیاز	میانگین
۱	بی اعتمادی دامداران به مأمورین منابع طبیعی	۲۳۷	۳/۹۵
۲	نحوهٔ برخورد مأمورین منابع طبیعی با دامداران	۱۶۲	۲/۷
۳	کاهش روحیه تعاون و همکاری بین دامداران	۱۵۳	۲/۵۵

جدول ۵. رده بندی معیارهای متغیر اجتماعی و فرهنگی، از نظر کارشناسان، برحسب میزان تأثیر در عدم مشارکت دامداران

ردیف	معیار	امتیاز	میانگین
۱	عدم سازمان دهی درست و منطقی دامداران ترکمن	۷۰	۴/۶۷
۲	عدم اعتماد دامداران ترکمن به مأمورین	۶۸	۴/۵۳
۳	نحوهٔ برخورد مأمورین با دامداران	۵۷	۳/۸
۴	کاهش روحیه تعاون و همکاری در بین دامداران	۴۷	۳/۲

جدول ۶. رده‌بندی معیارهای برنامه ریزی و سیاست‌گذاری، از نظر دامداران، برحسب میزان تأثیر در عدم مشارکت آنها

ردیف	معیار	امتیاز	میانگین
۱	توجه نکردن به نیازهای اساسی دامداران در برنامه ریزی	۳۳۰	۵/۵
۲	مصادف بودن کارهای اجرایی با زمان بهره برداری	۲۸۸	۴/۸
۳	عدم اجرای منظم طرح‌ها	۲۷۰	۴/۵
۴	شرکت ندادن دامداران در تصمیم‌گیری	۲۴۶	۴/۱
۵	برخورد نکردن قانونی با متخلفین	۲۴۰	۴
۶	تحمیل مدیریت‌های دولتی	۲۳۴	۳/۹

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1380.5.1.5.0]

جدول ۷. رده‌بندی معیارهای برنامه ریزی و سیاست‌گذاری، از نظر کارشناسان، برحسب میزان تأثیر در عدم مشارکت دامداران

ردیف	معیار	امتیاز	میانگین
۱	عدم اجرای منظم و پیوسته طرح‌ها	۷۰	۴/۷
۲	توجه نکردن به نیازهای اساسی دامداران در برنامه‌ریزی	۶۶	۴/۴
۳	برخورد نکردن قانونی با متخلفین	۶۶	۴/۴
۴	توجه نکردن به فرهنگ اجتماعی ترکمن‌ها در برنامه‌ریزی	۶۴	۴/۳
۵	تحمیل مدیریت‌های دولتی	۶۲	۴/۱
۶	تمرکز قدرت تصمیم‌گیری در مرکز	۵۷	۳/۸
۷	مصادف بودن فصل کارهای اجرایی با زمان بهره‌برداری	۵۷	۳/۸

جدول ۸. رده‌بندی معیارهای اقتصادی از نظر دامداران، برحسب میزان تأثیر در عدم مشارکت آنها

ردیف	معیار	امتیاز	میانگین
۱	مشخص نبودن مالکیت مرتع	۲۹۰	۴/۸۳
۲	دیربازده بودن طرح‌های مرتع داری	۲۸۱	۴/۶۸
۳	ندادن مجوز خرید و فروش حق بهره برداری	۲۵۴	۴/۲۳
۴	میزان درآمد و وضعیت مالی	۱۹۹	۳/۳۲

مجوز خرید و فروش حق بهره‌برداری، و میزان درآمد و وضعیت مالی دامداران در اولویت دوم، سوم و چهارم اهمیت قرار می‌گیرند (جدول ۸).

از نظر کارشناسان، در بین معیارهای اقتصادی مورد مطالعه، معیار دیر بازده بودن طرح‌های مرتع‌داری بیشترین تأثیر و امتیاز را در عدم مشارکت دامداران دارد. مشخص نبودن مالکیت مرتع، عدم مجوز خرید و فروش حق بهره‌برداری، و میزان درآمد و توان مالی دامداران به ترتیب در اولویت‌های دوم، سوم و چهارم اهمیت قرار می‌گیرند (جدول ۹).

رده‌بندی کلی معیارهای مورد مطالعه برحسب میزان تأثیر در عدم مشارکت دامداران

براساس نظریات دامداران (جدول ۱۰)، در بین تمامی معیارهای مورد مطالعه، توجه نکردن به خواست و نظر و نیازهای اساسی دامداران بیشترین تأثیر، و کاهش روحیه تعاون و همکاری بین دامداران ترکمن کمترین تأثیر را در عدم مشارکت آنان داشته است. ولی طبق نظر کارشناسان (جدول ۱۱)، دیربازده بودن طرح‌های مرتع‌داری، مهم‌ترین عامل در بین تمامی معیارهای مورد مطالعه بوده و بیشترین تأثیر را در عدم مشارکت دامداران داراست. کاهش روحیه تعاون و همکاری بین دامداران ترکمن نیز کمترین تأثیر را داشته است. با توجه به نتایج به دست آمده، میانگین رتبه‌ای شاخص‌های مورد مطالعه در جامعه دامداران حداکثر ۵/۵ و حداقل ۲/۵۵، و در جامعه کارشناسان حداکثر ۵ و حداقل ۳/۲ است. بنابراین، در برنامه ریزی و اجرای طرح‌های مرتع داری، اگر به معیارهایی که میانگین رتبه‌ای بیش از حد متوسط (۴) دارند توجه بیشتری شود و اقداماتی در رفع آنها در منطقه صورت گیرد، موجب مشارکت بیشتر دامداران منطقه خواهد شد.

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1380.5.1.5.0]

جدول ۹. رده‌بندی معیارهای اقتصادی از نظر کارشناسان، برحسب میزان تأثیر در عدم مشارکت دامداران

ردیف	معیار	امتیاز	میانگین
۱	دیربازده بودن طرح‌های مرتع‌داری	۷۵	۵
۲	مشخص نبودن مالکیت مرتع	۷۲	۴/۸
۳	عدم مجوز خرید و فروش حق بهره‌برداری	۵۸	۳/۸۷
۴	میزان درآمد و توان مالی دامداران	۵۴	۳/۶

جدول ۱۰. رده‌بندی کلی معیارهای مورد مطالعه از نظر دامداران، برحسب میزان تأثیر در عدم مشارکت آنها

ردیف	معیار	متغیر	میانگین	X^2		
				تعداد دام	سن	سابقه
۱	توجه نکردن به نیازهای اساسی دامداران در برنامه‌ریزی	برنامه‌ریزی	۵/۵	۳/۳۲^{ns}	۰/۱۸۸^{ns}	۰/۰۰۲^{ns}
۲	مشخص نبودن مالکیت مرتع (عدم احساس مالکیت)	اقتصادی	۴/۸۳	۱۰/۸۵۷*	۰/۵۵۲^{ns}	۱/۱۸۷^{ns}
۳	مصادف بودن زمان بهره‌برداری با زمان اجرای طرح	برنامه‌ریزی	۴/۸	۱۸/۶۱۶**	۰/۰۱۸^{ns}	۰/۰۳^{ns}
۴	دیربازده بودن طرح‌های مرتع‌داری	اقتصادی	۴/۶۸	۴/۵۸^{ns}	۰/۱۵^{ns}	۱/۷۱^{ns}
۵	عدم اجرای منظم طرح‌ها	برنامه‌ریزی	۴/۵	۱۰/۱۱۳*	۰/۰۷^{ns}	۰/۱۳^{ns}
۶	استفاده نکردن از گروه مروج و سازمان‌دهنده محلی	آموزشی	۴/۴۳	۱۲/۳۸*	۵/۸۲۷^{ns}	۱۰/۶۷**
۷	ندادن مجوز خرید و فروش	اقتصادی	۴/۲۳	۴/۰۶^{ns}	۲/۴۶^{ns}	۱/۸۱^{ns}
۸	شرکت ندادن در تصمیم‌گیری	برنامه‌ریزی	۴/۱	۹/۵۱۹*	۲/۶۳^{ns}	۰/۰۷^{ns}
۹	آگاه نبودن از اهداف طرح‌ها	آموزشی	۴/۰۴	۹/۷۱۴*	۰/۰۱۵۳^{ns}	۱/۳۱۲^{ns}
۱۰	برخورد نکردن قانونی با متخلفین	برنامه‌ریزی	۴	۱۳/۲۴۷*	۰/۱۲۴^{ns}	۰/۶۷^{ns}
۱۱	بی‌اعتمادی دامداران به مأمورین	اجتماعی	۳/۹۵	۳/۸۲۷^{ns}	۲/۶۳۲^{ns}	۰/۲۴۷^{ns}
۱۲	تحمیل مدیریت‌های دولتی	برنامه‌ریزی	۳/۹	۱۴/۱۱۹**	۴/۷۳۲^{ns}	۳/۵۰۸^{ns}
۱۳	نگذاشتن کلاس‌های آموزشی	آموزشی	۳/۸	۱/۱۰۳^{ns}	۱/۸۱^{ns}	۰/۰۵۷^{ns}
۱۴	میزان درآمد و وضعیت مالی	اقتصادی	۳/۳۲	۸/۵۱۷^{ns}	۰/۰۸^{ns}	۰/۳۶۱^{ns}
۱۵	نحوه برخورد مأمورین با دامداران	اجتماعی	۲/۷	۱۴/۷۸۷**	۰/۱۰^{ns}	۰/۳۷^{ns}
۱۶	کاهش روحیه تعاون و همکاری دامداران	اجتماعی	۲/۵۵	۲/۲۳^{ns}	۴/۵۶^{ns}	۱/۹۱^{ns}

ns، * و ** : به ترتیب غیرمعنی‌دار، و معنی‌دار در سطح پنج و یک درصد.

رده‌بندی (اولویت‌بندی) متغیرهای مورد بررسی برحسب میزان تأثیر در عدم مشارکت دامداران

نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که در بین دامداران، معیارهای مربوط به متغیر سیاست‌گذاری و برنامه ریزی بیشترین امتیاز را دارا است. متغیرهای اقتصادی، آموزشی و آگاهی و اجتماعی به ترتیب در رده‌های دوم، سوم و چهارم اهمیت قرار می‌گیرند. ولی در بین کارشناسان، متغیر آموزش و آگاهی بیشترین تأثیر و امتیاز را داراست. متغیرهای اقتصادی، سیاست‌گذاری و برنامه ریزی و اجتماعی، به ترتیب در رده‌های دوم، سوم و چهارم اهمیت قرار می‌گیرند (جدول ۱۲).

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1380.5.1.5.0]

جدول ۱۱. رده‌بندی کلی معیارهای مورد مطالعه از نظر کارشناسان، برحسب میزان تأثیر در عدم مشارکت دامداران

ردیف	معیار	متغیر	امتیاز	میانگین
۱	دیربازده بودن طرح‌های مرتع‌داری	اقتصادی	۷۵	۵
۲	مشخص نبودن مالکیت مرتع	اقتصادی	۷۲	۴/۸
۳	آگاه نبودن دامداران از اهداف طرح‌ها	آموزشی	۷۱	۴/۷۳
۴	عدم سازمان‌دهی درست و منطقی دامداران	اجتماعی	۷۰	۴/۶۷
۵	عدم اجرای منظم طرح‌های مرتع‌داری	برنامه‌ریزی	۷۰	۴/۶۷
۶	عدم اعتماد دامداران به مأمورین	اجتماعی	۶۸	۴/۵۳
۷	تشکیل ندادن کلاس‌های آموزشی	آموزشی	۶۷	۴/۴۷
۸	پایین بودن سطح سواد دامداران	آموزشی	۶۷	۴/۴۷
۹	عدم توجه به نیازهای اساسی دامداران در برنامه‌ریزی	برنامه‌ریزی	۶۶	۴/۴
۱۰	برخورد نکردن قانونی با متخلفین	برنامه‌ریزی	۶۶	۴/۴
۱۱	توجه نکردن به فرهنگ ترکمن در برنامه‌ریزی	برنامه‌ریزی	۶۴	۴/۲۷
۱۲	تحمیل مدیریت‌های دولتی	برنامه‌ریزی	۶۲	۴/۱۳
۱۳	عدم مجوز خرید و فروش حق بهره‌برداری	اقتصادی	۵۸	۳/۸۷
۱۴	نحوه برخورد مأمورین با دامداران	اجتماعی	۵۷	۳/۸
۱۵	تمرکز قدرت تصمیم‌گیری در مرکز	برنامه‌ریزی	۵۷	۳/۸
۱۶	مصادف بودن زمان بهره‌برداری با زمان اجرای طرح	برنامه‌ریزی	۵۷	۳/۸
۱۷	عدم توان مالی دامداران	اقتصادی	۵۴	۳/۶
۱۸	کاهش روحیه تعاون و همکاری	اجتماعی	۴۸	۳/۲

جدول ۱۲. رده‌بندی متغیرهای مورد بررسی برحسب میزان تأثیر در عدم مشارکت دامداران

متغیر	دامداران		کارشناسان	
	میانگین	رتبه	میانگین	رتبه
برنامه ریزی و سیاست‌گذاری	۴/۴۷	۱	۴/۲۳۸	۳
اقتصادی	۴/۲۷	۲	۴/۳۲	۲
آموزش و آگاهی	۴/۰۹	۳	۴/۵۶	۱
اجتماعی	۲/۸۹	۴	۴	۴

مقایسه میانگین امتیاز نظریات دامداران و کارشناسان

برای مقایسه میانگین امتیاز نظریات دامداران و کارشناسان از آزمون t استفاده شد، که نتایج آن در جدول (۱۳) آمده است.

نتایج نشان می‌دهد که تنها در سه مورد نحوه برخورد مأمورین با دامداران، توجه نکردن به نیازهای اساسی دامداران، و مصادف بودن فصل کارهای اجرایی با زمان بهره برداری تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1380.5.1.5.0]

جدول ۱۳. مقایسه میانگین امتیاز معیارهای مورد مطالعه در بین کارشناسان و دامداران

عنوان	میانگین		مقدار
	دامداران	کارشناسان	T
مقایسه میانگین امتیاز توجه نکردن به خواست و نظر و نیازهای اساسی دامداران در عدم مشارکت آنها بین دو جامعه	۵/۵	۴/۴	۴/۶۹**
مقایسه میانگین امتیاز مصادف بودن فصل کارهای اجرایی در عدم مشارکت دامداران بین دو جامعه	۴/۸	۳/۸	۳/۱۵*
مقایسه میانگین امتیاز نحوهٔ برخورد مأمورین در عدم مشارکت دامداران بین دو جامعه	۲/۷	۳/۸	۲/۸۴۴*
مقایسه میانگین امتیاز کاهش روحیه تعاون و همکاری در عدم مشارکت دامداران بین دو جامعه	۲/۵۵	۳/۲	۱/۳۵۲ns
مقایسه میانگین امتیاز عدم آگاهی دامداران در عدم مشارکت آنها بین دو جامعه	۴/۰۴	۴/۷۳	۱/۹۵۶ns
مقایسه میانگین عدم اعتماد دامداران در عدم مشارکت آنها بین دو جامعه	۳/۹۵	۴/۵۳	۱/۶۲۹ns
مقایسه میانگین امتیاز تأثیر برخورد نکردن قانونی با متخلفین در عدم مشارکت دامداران	۴	۴/۴	۱/۱۸ns
مقایسه میانگین تأثیر تمرکز قدرت تصمیم‌گیری در مرکز در عدم مشارکت دامداران بین دو جامعه	۴/۱	۳/۸	۰/۷۴ns
مقایسه میانگین تأثیر عدم اجرای منظم طرح‌ها در عدم مشارکت دامداران بین دو جامعه	۴/۵	۴/۶۷	۰/۵۸۵ns
مقایسه میانگین تأثیر تحمیل مدیریت‌های دولتی در عدم مشارکت دامداران بین دو جامعه	۳/۹	۴/۱۳	۰/۵۸۰ns
مقایسه میانگین تأثیر عدم احساس مالکیت در عدم مشارکت دامداران بین دو جامعه	۴/۸۳	۴/۸	۰/۰۹۳ns
مقایسه میانگین عدم توان مالی در عدم مشارکت دامداران بین دو جامعه	۳/۳۲	۳/۶	۰/۶۴۵ns

**: در سطح ۱٪ معنی‌دار است. *: در سطح ۵٪ معنی‌دار است. ns: بی‌معنی است

شرایط مشارکت و همکاری دامداران

برای پی بردن به نظر دامداران برای مشارکت آنان در احیای مراتع منطقه، از آنان سؤال شد «در چه صورت و تحت چه شرایطی حاضر به همکاری فعال در زمینه احیای مراتع هستید؟» جواب‌های داده شده در جدول ۱۴ آمده است.

توجه به درصد جواب‌ها نشان می‌دهد که تعدادی از پاسخ‌گویان به سؤال فوق دو یا سه یا چند جواب داده‌اند. لیکن بیشترین تقاضا درخواست کمک بلاعوض از دولت بود. وقتی سؤال شد که قصد دارند با این کمک‌ها چه کاری انجام دهند، بیشتر در فکر رفع گرفتاری‌های آنی و مقطعی، مانند خرید مایحتاج، علوفه دام و پرداخت بدهی‌ها بودند.

بیشترین درصد جواب‌ها در مرتبه بعد، مربوط به حد و حدود مرتع و جلوگیری از تجاوز دیگران (البته توسط دولت) به مرتع مورد استفاده بود. این مسئله از همان قضیه ریشه‌دار قدیمی علاقه به مالکیت سرچشمه می‌گیرد.

عده‌ای از پاسخ‌گویان (۴۲ درصد) با واگذاری مرتع به خود آنان موافق بودند. این جواب نیز، نوعی بیان علاقه‌مندی به داشتن مالکیت مرتع است. عدهٔ کمی از پاسخ‌گویان (۳۳ درصد) با تقاضای وام از طرف دولت موافق بودند. تقاضای کم پاسخ گویان نسبت به گرفتن وام ناشی از اعتقاد شرعی است که گرفتن وام را جایز نمی‌دانند. این خود می‌تواند یکی از عوامل محدودکننده در اجرای طرح‌های مرتع‌داری باشد.

پاسخ بعدی با ۱۵٪ تحت عنوان «سایر» آمده است. در این جا چون از پاسخ گویان خواسته شد که نظر خود را گفته و در مورد آن توضیح دهند به موارد زیر اشاره شده است:

۹ درصد فراهم کردن علوفه، آب و دیگر مایحتاج را عنوان کردند، سه درصد کوتاه کردن دست مرفهین را یاد کردند و سه درصد دادن بذر و کود به مراتع و گذاشتن مأمور توسط دولت

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1380.5.1.5.0]

جدول ۱۴. فراوانی پاسخ‌های دامداران به مؤلفه‌ای مؤثر در مشارکت آنان

ردیف	عنوان	تعداد	درصد
۱	دولت کمک بلاعوض بدهد	۵۱	۸۰
۲	حد و حدود مرتع ما را مشخص کند	۴۷	۷۸
۳	از تجاوز دیگران به مرتع جلوگیری کند	۴۱	۶۸
۴	مرتع را به خودمان واگذارند	۲۵	۴۲
۵	دولت به ما وام بدهد	۲۰	۳۳
۶	سایر	۹	۱۵

برای نظارت و نگهداری از مراتع را عنوان نمودند.

نکته‌ای که در این جا باید اشاره کرد این است که دامداران این منطقه به مرتع به عنوان منبع رایگان می‌نگرند، و همیشه انتظار دارند که سرمایه گذاری از طرف دولت باشد، که خود ناشی از سیاست‌های غلط گذشته دولت می‌باشد.

پیشنهادها

۱. روشن نبودن وضع مالکیت مرتع یکی از تنگناهای اساسی در اجرای طرح‌های مرتع‌داری است. برای رفع این مشکل، باید به مالکیت در منابع طبیعی شکل داد و آن را قانونمند ساخت. برای دست‌یابی به این هدف، از بین بردن ابهامات و تنگناهای قانونی امری ضروری است.

۲. به منظور تأمین معاش خانوارهای عضو طرح‌های مرتع‌داری، و استفاده بهینه از نیروی کار خانوارهای عضو، لازم است طرح‌ها به صورت چندمنظوره تدوین شوند. برای نیل به این منظور، توصیه می‌شود با توجه به مطالعات حوزهٔ آبخیر منطقه، در مراحل بعدی از توان‌های بالقوه و بالفعل مناطق بهره‌برداری گردد، به نحوی که بتوان به بهره‌برداری چندمنظوره از مراتع پرداخت، تا خانوارهای عضو طرح، دامداری را با زراعت، باغداری، نوغانداری، پرورش زنبور عسل، گیاهان دارویی و مانند آن در هم آمیخته، به منابع درآمد تکمیلی دست یابند و بدین ترتیب به اقتصادی کردن طرح‌ها کمک شود.

۳. ضمن تأکید بر فعال نمودن حرکت مشارکت‌های مردمی در حفظ و احیا و بهره برداری از مراتع، توصیه می‌شود مراتع در غالب پروژه‌های توجیه شده اقتصادی واگذار گردد تا انگیزه کافی برای مشارکت مردم در این امر ملی فراهم شود.

۴. در تهیه طرح‌های مرتع‌داری، برخورداری از دانش بومی ضرورت دارد. برای این منظور باید دیدگاه‌های نظری و عملی کارشناسان با دانش بومی و اندوخته‌های تجربی دامداران در هم آمیخته گردد، بدین معنی که از تجربیات عشایر در زمینه اداره مرتع، مدیریت اجرا و شکل‌های بهره برداری از مرتع استفاده کرد. در این باره توصیه می‌شود که به بررسی و مطالعه و گردآوری اطلاعات سنتی و دانش بومی اهالی منطقه پرداخت، و با طبقه بندی و انطباق آن با داده‌های علمی در زمینه‌های مختلف، راه‌های تازه‌ای برای بهبود مراتع به وجود آورد، و سپس به اشاعه آن در جامعه مرتع‌داران پرداخت.

۵. برای رسیدن به یک دامداری پردرآمد و اقتصادی، باید دامداری‌های منطقه تدریجاً متمرکز شده، در کنار آن سطوح کشت علوفه افزایش یابد.

۶. به منظور داشتن تشکیلات منظم و معتبر، تشکیل شرکت‌های تعاونی معتبر با خود یاری دامداران، امری ضروری است. بدین شکل، دامداران قادر خواهند بود صنایع جنبی دام‌پروری و فراورده‌های خود را به صورت استانداردهای جهانی در آورده و به طور شایسته‌ای به فروش

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1380.5.1.5.0]

برسانند.

۷. برای پاسخ‌گویی به بخشی از مشکلات موجود، باید قوانین مربوط به منابع طبیعی، مقررات و آیین نامه‌های آن براساس واقعیات و نیازهای جامعه، مسائل اقتصادی، اجتماعی، و با نظرخواهی از کارشناسان و متخصصین فن در امور منابع طبیعی بازنگری شود. در عین حال، باید قوانین ضمانت اجرایی داشته باشند.

۸. مرتع‌دار بایستی قانوناً ملزم به احیای مراتع، توسعه آنها و بهره‌برداری بهینه از مراتع خود باشد. در غیر این صورت باید خلع ید شود.

۹. به منظور تسهیل طرح‌های مرتع‌داری و افزایش آگاهی مرتع‌داران از اهداف طرح‌ها، باید به مسئله آموزش و ترویج اهمیت بیشتری داده شود. با تشکیل کلاس‌های آموزشی کوتاه مدت و بازدید از طرح‌های مرتع‌داری، می‌توان مشارکت در اجرای این طرح‌ها را به عنوان یکی از الگوهای مطلوب بهره‌برداری از مرتع ترویج کرد.

۱۰. با توجه به این که اکثر بهره‌برداران از نظر اقتصادی توان اجرای طرح را ندارند، لازم است قبل از تهیه و اجرای طرح وضعیت اقتصادی و اجتماعی بهره‌برداران، و نیز اقتصادی بودن یک واحد بهره‌بردار مورد مطالعه قرار گیرد. در صورت غیراقتصادی بودن واحد، باید سعی گردد در درجه اول آن را به یک واحد اقتصادی تبدیل و نسبت به تهیه طرح آن اقدام نمود، و سپس با تأمین تسهیلات بانکی کم‌بهره مشکل مالی مجری را برای اجرای طرح برطرف کرد.

۱۱. بیشتر کارشناسان عامل عمده تخریب مراتع را زیادی تعداد دام ذکر می‌کنند. در صورتی که زیادی تعداد دام معلول زیادی تعداد دامدار، و زیادی تعداد دامدار خود معلول مشاعی بودن مجوزهای بهره‌برداری از مرتع است. به عبارت دیگر، مشاعی بودن بهره‌برداری و مشخص نبودن صاحب و مدیر برای عرصه‌های مراتع، نه تنها عامل اصلی عدم سرمایه‌گذاری است، بلکه عامل اصلی سبقت در تخریب، یعنی عامل چرای زودرس و مفرط و نابودی سرمایه اصلی نیز می‌باشد. لذا سیاست اداره صحیح مراتع، باید ایجاد واحدهای اقتصادی مرتع‌داری - دامداری با مدیر یا صاحب مشخص باشد. ابزار اعمال این سیاست، قانونی است که مجوز خرید و فروش مرتع را به دامدار بدهد. به منظور تحقق این هدف، باید امتیاز پروانه چرا، و هم چنین طرح‌های مرتع‌داری با اسناد مالکیت مرتع، با حفظ ماهیت مرتع قابل خرید و فروش باشد.

۱۲. توصیه می‌شود دولت از واگذاری قطعی مراتع به بهره‌برداران آن خودداری کند. برای اعمال مدیریت صحیح دولت، بهترین شیوه بهره‌برداری از مراتع، واگذاری طرح‌ها به صورت ۳۰ ساله است. هم چنین، برای این که مجریان عملیات پیشنهادی اصلاح و احیای طرح‌ها را با علاقه بیشتری اجرا نمایند، باید از واگذاری عرصه‌های طرح به غیر، و برای مقاصد دیگر جداً پرهیز گردد.

۱۳. از آن جا که برنامه‌ریزی، فرایندی چندبعدی و پیچیده و متأثر از عوامل مختلف، متنوع و متعدد است، لذا برای طراحی گزینه مطلوب و منتج از تلفیق کلیه توانمندی‌ها، محدودیت‌ها و نیازها، و با توجه به کلیه ملاحظات فنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی، باید از روشی کامل و جامع استفاده شود، تا باکمک آن از اطلاعات و توان‌های موجود بهره‌برداری مناسب‌تری به عمل آید. بنابراین، تدوین برنامه‌ای جامع و علمی برای مرتع‌داری ضرورت پیدا می‌کند.

منابع مورد استفاده

۱. انصاری، ن. ۱۳۷۳. بررسی دلایل و عوامل مؤثر در عدم مشارکت عشایر در طرح‌های احیا و اصلاح مرتع‌داری با تأکید بر عشایر لرستان. اولین سمینار مرتع، دانشگاه صنعتی اصفهان.

۲. خاتون‌آبادی، س. ا. ۱۳۷۸. مشارکت انسانی و ارتباط دوسویه: چارچوبی برای تشکیل گروه‌های حافظ منابع طبیعی و توسعه

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1380.5.1.5.0]

پایدار. مجموعه مقالات همایش منابع طبیعی، مشارکت و توسعه، سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور، با همکاری دانشگاه تربیت مدرس.
۳. شهید زندی، ک. ۱۳۷۶. عوامل مؤثر در مشارکت دامداران در احیای مراتع. جنگل و مرتع ۳۵: ۲۱-۲۲.
۴. عبداله‌پور، م. ۱۳۷۳. چرا و چگونه باید زمینه‌های مناسب سرمایه گذاری توسط بخش خصوصی را در مراتع فراهم نمود. اولین سمینار مرتع، دانشگاه صنعتی اصفهان.
۵. عزیزی، ن. ۱۳۷۳. رهیافت‌های جلب مشارکت مردم (مردم - سرمایه - تخصص). کنفرانس رشد و توسعه، کهگیلویه و بویراحمد. معاونت ترویج و مشارکت مردمی جهاد سازندگی.
۶. عفتی، م. ۱۳۷۱. مقدمه‌ای بر برنامه ریزی مشارکتی. جهاد ۱۵۸: ۲۰-۳۴.
7. Bale, J. and D. Drakakis. 1992. Development and Undevelopment. Routlege Pub., London.
8. Economic Comission for Latin America. 1973. Popular participation in development. Commun. Develop. J. 8(3): 672-700.
9. George, S. 1992. Genralization in rural development of eleven villages in south Gujarat. J. Internat. Develop. 18(2): 437-462.

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1380.5.1.5.0]